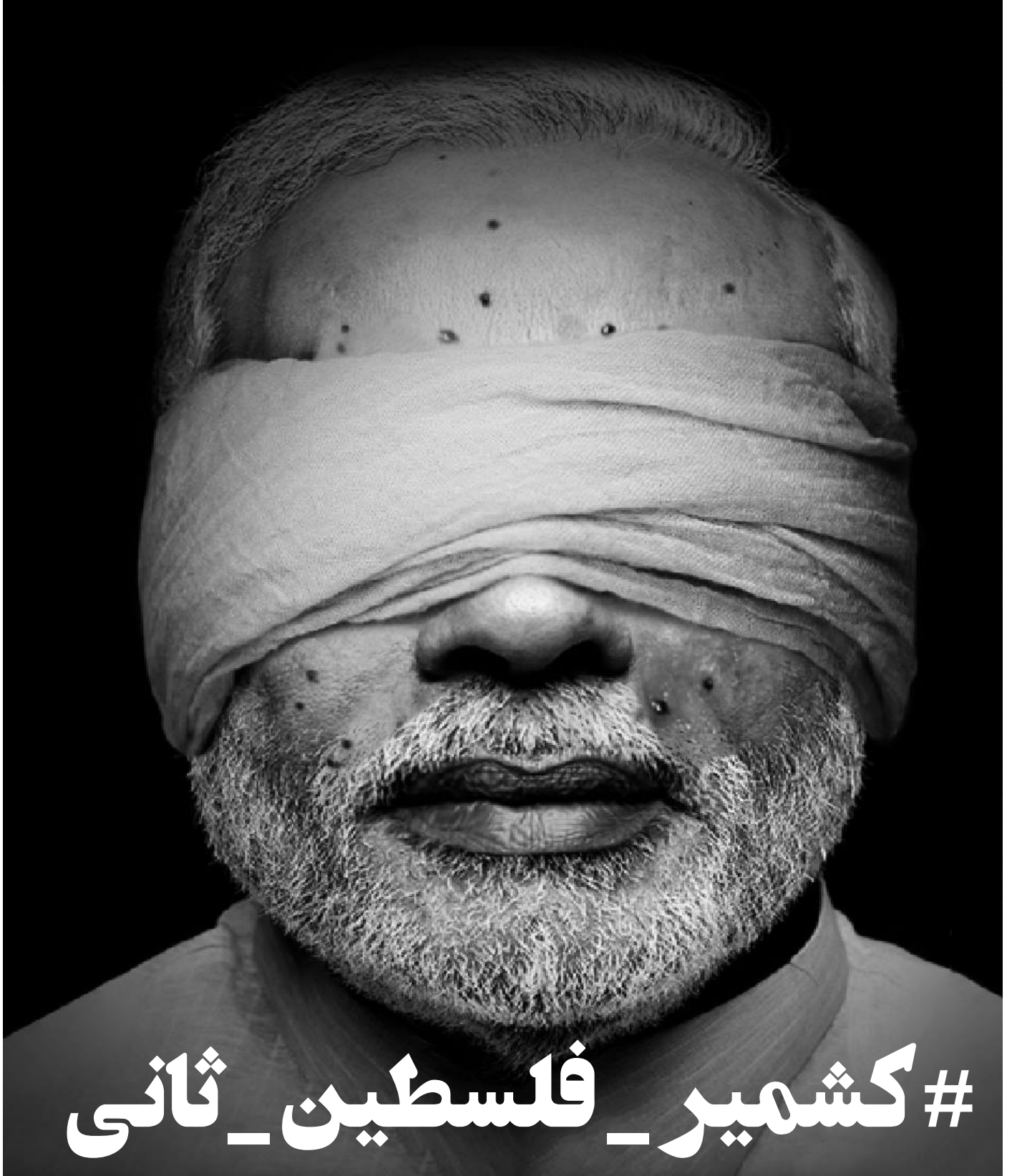


| هفته نامه واحد بین الملل اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل |
| شماره اول ویژه نامه بررسی بحران کشمیر |
| هفته اول آبان ۱۳۹۸ |

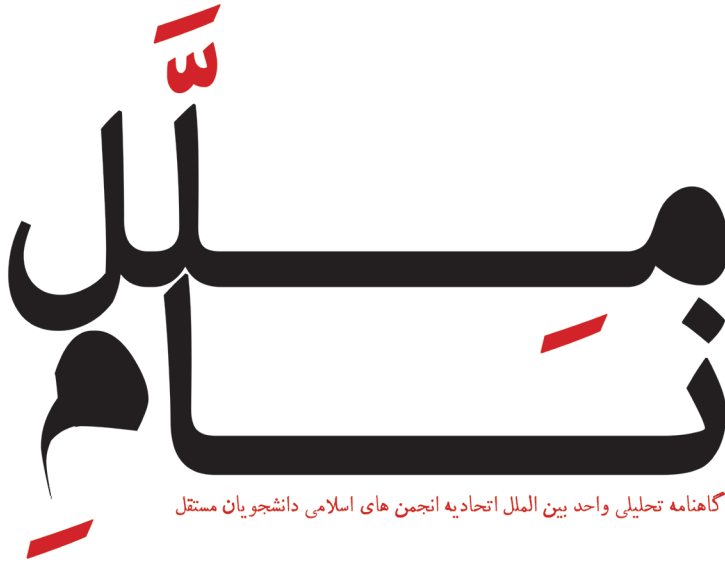


#کشمیر_ فلسطین_ ثانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

سوره انبیا آیه ۲۱



گاهنامه تحلیلی واحد بین الملل اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل

| هفته نامه واحد بین الملل اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل |

| هفته اول آبان ۱۳۹۸ | شماره اول |

ملل نامه، به صورت هفتگی حوادث مهم عرصه بین الملل را بررسی کرده و تحلیلی های خود نوشت اعضای واحد بین الملل اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل را منتشر میکند.

زیر نظر شورای سیاست گذاری:

معین رضیعی (دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

رعنا مقیسه (دانشگاه قم)

حمزه دستیار (دانشگاه هرمزگان)

زهرا آذر برا (دانشگاه تهران)

| خطِ امام |

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزشهای اسلامی هستند، به خوبی در یافته اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست؛ و آنها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه اند. و آنهایی هم که تصور می کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یاب به آنان کمک می کنند آب در هاون می کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جویی دو مقوله ای است که هرگز با هم جمع نمی شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلابها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم.

صحیفه امام جلد ۲۱ صفحه ۸۷

اولین شماره از ملل نامه با افتخار تقدیم می شود به روح شهید سید عدیل حسینی از شهدای پاکستانی مدافع حرم



سرمقاله

«کشمیر نامه»

محمد حسنین میر | دانشجوی اهل کشمیر دانشگاه اصفهان

کشمیر سرزمینی سرسبز و حاصلخیز با فرهنگی غنی که در گذشته نه چندان دور ایران صغیر نامیده میشد و هنوز آن را بهشت بر زمین میخوانند اکنون در چه وضعیتی است؟ چه اتفاقی افتاد که این قطعه از زمین یا قطعه‌ای از بهشت به این روزگار بیافتد؟ داستان تقریباً دو قرن پیش شروع میشود، وقتی استعمارگران انگلیسی این منطقه مسلمان نشین و آباد را به یک پادشاه هندو مذهب به عوض یک مبلغ ناچیزی فروختند و اینگونه، اقلیت را بر اکثریت حاکم کردند. درگیری‌ها بین مردم و حاکمیت ادامه داشت و در سال ۱۹۳۱ میلادی به اوج خود رسید و حاکم مجبور شد بعضی از اصلاحات را اعمال کند. اما به هنگام تقسیم هند و پاکستان، مردم مسلمان این منطقه، بر اساس قراردادی که طبق آن مناطق مسلمان نشین با پاکستان ملحق میشدند، خواستار الحاق با پاکستان شدند اما پادشاه میخواست استقلال خود را حفظ کند. مردم در مناطق مرزی قیام کردند و حاکم آنها را سرکوب به طوری که در جامو بیش از صد هزار مسلمان کشته شدند و دویست هزار مهاجرت کردند. این اوضاع اسفناک بعضی از عشایر پاکستان را تحریک کرد و آنها به کمک مسلمانان کشمیر شتافتند. حاکمیت کشمیر احساس خطر کرد و از هند درخواست کمک کردند که در پاسخ، دولت هند تقاضای الحاق کشمیر با هند را کرد. مهاراجه زیر بار هندی‌ها رفت و الحاق نامه را امضا کرد اما برای کشمیر شرایط ویژه برای الحاق در نظر گرفته شدند من جمله ممانعت خرید و فروخت ملک و اشتغال دولتی برای غیر کشمیری‌ها و خودمختاری. هند نیرو فرستاد و اینچنین اولین جنگ هند و پاکستان آغاز شد که در آن پاکستان موفق شد قسمتی از کشمیر را اشغال کند. مردم کشمیر با دولت موافق نبودند و طرفدار پاکستان بودند. سرانجام جنگ با مداخله سازمان ملل و تصویب دو قطعنامه پایان یافت. دولتها موافقت کردند که حق تصمیمگیری را به خود مردم کشمیر بدهد و به محض نسبتاً بهتر شدن وضعیت همه پرسی برگزار بشود اما هند و پاکستان به شرایط این توافق پایبند نماندند. بعد از آن نیز هند و پاکستان دو بار جنگیدند و قسمت هندی کشمیر توسط هند بارها مورد ظلم قرار گرفت. نقض حقوق بشر توسط نیروهای هندی به یک امر عادی تبدیل شد و همه این ظلم‌ها در پناه قانون مصونیت قضایی برای نیروی هندی در کشمیر صورت گرفت. درگیریها بین مردم کشمیر و هند و همچنین پاکستان و هند تا امروز استمرار پیدا کرد تا اینکه در مرداد ۱۳۹۸ دولت هند در یک اقدام کاملاً یکجانبه شرایط ویژه را لغو کرد. این اقدام زمینه را برای تغییر بافت جمعیتی کشمیر و همچنین کنترل بیشتری بر آن فراهم کرد که طبیعتاً با اعتراض مردم مواجه میشد. دولت کشمیر را در حکومت نظامی قرار داد و تمامی ارتباطات من جمله اینترنت، موبایل و حتی تلفن ثابت را قطع کرد. بیش از پنج هزار جوان و شش صد نفر از رهبران سیاسی، علما و تجار سرشناس را دستگیر و در زندان‌های مختلف هند حبس کردند. اکنون کشمیر در شرایطی قرار دارد که مردم هیچ راهی برای ابراز نارضایتی خود از اقدامات دولت ندارد و بر اثر حکومت نظامی شدید، در برخی از مناطق مخصوصاً روستاها، مردم به مایحتاج زندگی هم دسترسی ندارند. کشمیری که تا دیروز ایران صغیر و بهشت بر زمین نامیده شد، حالا برای اهالیان خود به زندان تبدیل شده است. زندانی با درختان کاج و رودهای زیبا، اما دیگر بلبلان این گلستان نغمه‌ای بر لب ندارند.



بررسی اهداف هند از لغو خودمختاری کشمیر

«چرایی آغاز بحران کشمیر»

رعنا مقبسه | دانشگاه قم

لغو خودمختاری کشمیر باعث شده تا نخست وزیر هند با توجه به انتخابات آینده این کشور تلاش کند تا با عملی کردن وعده‌های خودرای نیروهای راست‌گرای هندی را که به شدت مخالف خودمختاری کشمیر هستند به دست بیاورد. بیشتر پایگاه اجتماعی نخست وزیر مودی را هندوها و پیروان سایر مذاهب تشکیل می‌دهند و به همین دلیل مخالفت‌های مسلمانان هند و سایر هندوهای غیر وابسته به حزب بی‌جی‌پی احتمالاً تأثیری در تصمیم دولت نخواهد داشت.

اقدام دولت هند در لغو خودمختاری کشمیر پیامد‌های منفی بسیاری هم در پی خواهد داشت از جمله تضعیف گروه‌های میانه‌رو کشمیر که خواهان حل مسئله از طرق سیاسی بودند و افتادن ابتکار عمل به دست رادیکال‌های مذهبی خواستار پیوستن به داعش و القاعده و باز شدن پای این گروه‌ها به منطقه.

همچنین باعث تخریب مناسبات بین هند و پاکستان شده است که اخراج سفیر هند توسط پاکستان و شکایت به شورای امنیت سازمان ملل و درگیری در مرز هند و پاکستان از نمونه‌های آن به شمار می‌روند.

لغو خودمختاری کشمیر توسط دولت هند و دستگیری نزدیک‌ترین شخصیت‌های سیاسی طرفدار هند در کشمیر که از نظر مردم و رهبران آزادی‌خواه، خائن نامیده می‌شدند باعث پیوستن احزاب و جریانات سیاسی طرفدار هند به جمع مخالفان دولت هند در کشمیر می‌شود.

برخی احزاب داخلی هند (طیف‌های سیاسی سکولار و چپ) هم با اقدامات مودی مخالفت کرده و معتقدند این اقدام موجب برهم خوردن صلح و ثبات منطقه می‌شود.

هند با این قانون، توافقنامه‌های دو جانبه بین این کشور و پاکستان برای خودمختاری کشمیر بر اساس رفتارندوم، قرار داد با کشمیری‌ها و تعهدات خود به شورای امنیت سازمان ملل را زیر پا می‌گذارد.

کشمیر منطقه‌ای در شمال غربی شبه قاره هند که از چند ماه پیش و با صدور فرمان نخست وزیر هند مبنی بر لغو خودمختاری ایالت جامو و کشمیر که توسط ماده ۳۷۰ قانون اساسی هند تضمین شده بود، دچار تنش و آشوب شده است. طبق ماده ۳۷۰ قانون اساسی هند، دولت جز در امور دفاعی و خارجی و ارتباطات منطقه‌ای، مابقی اختیارات حکمرانی را به یک نهاد قانونگذاری محلی واگذار کرده بود. این در حالی است که در لایحه جدید عنوان رسمی ایالت فدرال حذف و از عنوان منطقه ارضی اتحادیه استفاده شده است که به معنی سلب خودمختاری کشمیر می‌باشد.

کشمیر منطقه‌ای بکر، زیبا و با ظرفیت‌های بی‌نظیر اقتصادی است که بهترین رودهای شبه قاره هند از آنجا سرچشمه می‌گیرد، همین ویژگی‌ها باعث استراتژیک شدن منطقه کشمیر و توجه هند به آن است.

دولت هند با لغو خودمختاری کشمیر دو هدف مهم را دنبال می‌کند:

اول تغییر ترکیب جمعیت بین مسلمانان و هندوها و فراهم‌سازی زمینه مهاجرت از سایر مناطق هند به کشمیر. طبق ماده ۵۳ قانون اساسی حق سکونت غیرکشمیری‌ها برای بلند مدت امکان پذیر نبوده و در اختیار دولت و پارلمان محلی است. همین‌طور غیرکشمیری‌ها حق خرید زمین و ملک ندارند. با لغو این قانون و خودمختاری کشمیر امکان مهاجرت به کشمیر برای بلندمدت فراهم می‌شود. اعزام ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر به آن منطقه در این مدت با هدف تغییر بافت جمعیتی و تبدیل مسلمانان به اقلیتی که در تحولات منطقه تأثیرگذاری چندانی نداشته باشند انجام شده است.

دوم پیروزی حزب بی‌جی‌پی (ملی‌گرای هندو که در سابقه سیاسی خود سختگیری به مسلمانان را دارد) و نخست وزیر مودی در انتخابات قبلی با وعده

«اکتبر یوم النکبه کشمیر»

دکتر صوفی

حکومت استعماری انگلیس در سال ۱۸۴۶ میلادی طی قراردادی بنام قرارداد آمریتسار کشمیر را به همراه ساکنان آن به یک شاهزاده هندو از خاندان دوگرا بنام گلاب سینک می فروشد. طبق اسناد تاریخی مبلغ این قرارداد ۷.۵ میلیون روپیه وقت، یک اسب، ۱۲ راس بز و ۶ عدد شال کشمیری بوده است. از این دوران، حکومت صدساله دوگراهای هندو مسلک بر کشمیری که اکثریت آن را مسلمانان شکل می دادند آغاز می شود؛ حکومتی که مطابق با نقل های متعدد تاریخی همراه با ظلم و جور و ستم سر بازان دوگرا علیه مردم مسلمان کشمیر بود. مردم نیز در مواردی صدای خویش را علیه این حاکمیت جابرانه بلند کردند که قیام ۱۹۳۱ مردم کشمیر شاخص ترین این گونه هاست که علیه حاکمیت دوگراها و توسط مردم کشمیر صورت گرفت. در خلال این مدت چیزی حدود یک سوم کل هندوستان توسط ۵۶۵ شاهزاده همانند خاندان دوگرا اداره می شد و عملاً حاکمیت کمپانی هند شرقی بر این بخش ها از کشور هندوستان بشکل غیر مستقیم اعمال می شد در حالی که دو سوم باقی مستقیماً تحت قیمومیت انگلستان قرار داشتند. در ادبیات سیاسی به این ایالت ها، ایالت های سلطنتی اطلاق می شد که نوعی خودمختاری داشتند. همزمان با بالا گرفتن مبارزات ضد استعماری مردم هند، به دلایل مختلف ایده تشکیل کشوری از دل هندوستان و مختص به مسلمانان نیز توسعه یافت. در ژوئن ۱۹۴۷ مطابق با توافقی که میان رهبران هندو و مسلمان جریان آزادی طلبانه و نیز لوردمان باتن نماینده استعمار انگلیس در شبه قاره به امضا رسید، تصمیم گرفته شد تا هندوستان بزرگ مبتنی بر شاخص های جغرافیایی و دموگرافیک به دو کشور تقسیم شود. اینگونه شد که در ۱۴ اگوست همان سال ابتدا پاکستان اعلام موجودیت کرد و یک روز بعد نیز هندوستان روز ملی استقلال خویش را در ۱۵ اگوست ۱۹۴۷ جشن گرفت. اما این شادی همراه با بلاتکلیفی جمعی از ایالت های سلطنتی بود. ایالت هایی که دچار مشکل شدند عمدتاً مواردی بودند که شاهزاده حاکم پیرو دینی و مردم تحت حکم پیرو دین دیگری بودند؛ برای مثال این شرایط در کشمیر، حیدرآباد، جوناگر و... رقم خورده بود. در کشمیر حاکم هندو بر مردم مسلمان حکم می کرد ولی در حیدرآباد حاکم مسلمان بر مردمی هندو تسلط داشت.

در این دوران مهاراجه هاری سینک از نوادگان گلاب سینک در کشمیر حاکم بود. او پس از تقسیم شبه قاره در اگوست ۱۹۴۷ برای مدتی حدود ۲ ماه عملاً نه به هندوستان پیوست و نه همراه با پاکستان شد. در همین دوران برخی از مردم مسلمان منطقه پونچ در کشمیر، قیامی را علیه خاندان دوگرای حاکم رقم زدند. سر بازان دوگرا این قیام را با کمک برخی از هندوهای افراطی سرکوب می کنند که این باعث می شود برخی از نیروهای مردمی از سمت پاکستان به این قیام بپیوندند. درگیری های این منطقه از کشمیر در اگوست همان سال کم کم توسعه پیدا می کند و در این زمان است که ماهاراجه هاری سینک برای نجات حکومت خویش دست به دامان هندوستان می شود. هندوستان کمک خویش را منوط به امضای قرارداد الحاق کشمیر به هندوستان می کند و در نهایت در حالی که حاکم دوگرا در حال فرار از کشمیر بود، در تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۴۷ قرار داد الحاق کشمیر به هندوستان توسط او امضای می شود و یک روز بعد در ۲۷ اکتبر هندوستان نیروهای ارتش خود را به شهر سرینگر مرکز ایالت کشمیر هلی برن می کند و عملاً کشمیر تحت اشغال نظامی نیروهای هندی در می آید. ۲۷ اکتبر از این رو در تاریخ کشمیر روز سیاه نامیده می شود که سر آغاز جنگ های رسمی میان هندو پاکستان بر سر کشمیر بود. به فاصله چند روز بعد از ۲۷ اکتبر در ۲ نوامبر جواهر لعل نهرو نخست وزیر هندوستان طی سخنانی، موقتی بودن حضور هندوستان را در کشمیر اعلام می دارد و اظهار می کند: «آینده جامو و کشمیر باید توسط خود مردم تعیین شود. این تعهدی است که ما نه فقط به مردم کشمیر که به کل دنیا داده ایم.» تعهدی که البته علی رغم تاکیدات سازمان ملل و شورای امنیت هیچ گاه عملی نشد. روز ۲۷ اکتبر در فرهنگ مردم کشمیر تحت کنترل هندوستان، متناظر همان روز نکبت در میان فلسطینیان است؛ روزی که همواره با اعتصابات عمومی مردم این خطه علیه اشغال نظامی هندوستان همراه بوده است و با گذشت ده ها سال از ریشه دار ترین زخم سیاسی تاریخ معاصر جهان، این زخم نه تنها رو بهبود نیست که درد آن روز به روز بیشتر هم می شود.

نکته دیگری که توجه به آن حائز اهمیت است تبدیل شدن هند به چهارمین اقتصاد دنیاست. مسئله ای که هند را در مقایسه بین خود و پاکستان فقیر و وابسته به کمک های خارجی به سمتی سوق می دهد که اقدامات دولت هند باعث به رسمیت شناختن این کشور به عنوان یک قدرت بزرگ بین المللی شود. این مسئله به همراه عواملی که بالاتر ذکر شد دولت را به این جمع بندی رسانده است که پیامد های منفی این اقدام را نادیده گرفته و دست به لغو خودمختاری کشمیر بزند. در مقابل پاکستان گزینه های قدرتمندی برای مقابله با هند در اختیار ندارد. در جنگ نظامی ارتش هند توان بالاتری نسبت به پاکستان دارد و جنگ هسته ای نیز باعث نابودی تمام کشور های منطقه خواهد شد. تنها اهرم فشار پاکستان بازگشت به شورای امنیت سازمان ملل و درخواست پیگیری قرار داد های ۱۹۴۹ و ۱۹۵۱ و ۱۹۷۲ برای انجام همه پرسی است که دولت هند همچون ۷۰ سال گذشته زیر بار آن نخواهد رفت. در این قراردادها نیز تنها دو گزینه ملحق شدن به هند و ملحق شدن به پاکستان وجود دارد در حالی که در کشمیر استقلال طلبی افزایش پیدا کرده و بسیاری از مردم معتقدند که پیوستن به هیچکدام از کشورها مشکل را حل نمی کند. موضع سایر کشور هادر قبال این مسئله نیز حائز اهمیت است:

چین و ترکیه به عنوان دو کشور مهم در منطقه به صورت نسبتاً صریح از مواضع پاکستان حمایت کردند. در مقابل روسیه، امارات و تا حدودی انگلیس از هند حمایت کرده و مسئله کشمیر را به عنوان موضوع داخلی هند برشمردند. اما اکثریت قریب به اتفاق کشورها از قطعنامه ها و توافقی نامی که دو جانبه با پاکستان حمایت کرده اند. ناگفته نماند که اقدامات هند در کشمیر و اعمال سیاست زور و ارباب حمایت کشور های غربی از هند را هزینه زا کرده است. مسئله کشمیر فارغ از مسلمان بودن کشمیری ها، به جهت علاقه مردم کشمیر به انقلاب اسلامی برای جمهوری اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و ملاحظات مهمی در موضع گیری دولت ایران نسبت به این مسئله وجود دارد از جمله روابط مثبت ایران و هند و استراتژیک بودن هند برای ایران. هندی یکی از شرکای مهم ایران در دوران تحریم و یکی از خریداران نفت ایران است. همچنین با توجه به اینکه هند یک قدرت نوظهور اقتصادی است میتواند یک بازیگر کلان برای به چالش کشیدن یک جانبه گرایی آمریکا باشد. این در حالی است که ارتباطات جمهوری اسلامی ایران با پاکستان فراز و فرود هایی داشته اما همراه با همکاری و احترام بوده است. رهبر انقلاب در دیدار اخیر با رئیس جمهور و هیئت دولت با اشاره به اینکه مسئله کشمیر و اختلافات هند و پاکستان نتیجه اقدامات انگلیس هنگام خروج از شبه قاره است فرمودند که با وجود ارتباطات خوبی که با دولت هند داریم از آنها توقع داریم تا سیاست منصفانه ای را در قبال مردم کشمیر و مسلمانان این منطقه در پیش بگیرد.



مسئله کشمیر، گذشته تاریخی و چشم انداز پیش رو؛ «بحران کشمیر؛ نتیجه معاهده انگلیس»

گزیده گفتگو پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR با آقای ابوالفضل زارعی، رایزن سابق سیاسی سفارت ایران در هند

همان طور که در ایران می گفتند ما می خواهیم این نفت کثیف و سیاه را ببریم که به درد شما نمی خورد، آن جا هم شبیه همین را گفتند که ما می خواهیم نیازمندی های شما را تأمین کنیم و کار دیگری نداریم. آرام آرام که آمدند و پا گرفتند، کل هند را اشغال کردند و آن روز زغال سنگ هند را بردند که از بهترین انرژی ها بود و سوخت اغلب ادوات جنگی بود و نقش گاز و نفت امروزی را بازی می کرد. منطقه ای شبه قاره هم مملو از منابع ذغال سنگ بوده و هست. انگلیسی ها به تدریج کل هند را گرفتند و سعی کردند کشمیر را هم به این شکلی که عرض کردم، به تصرف درآورند، اما نهایتاً به این شکل واگذارش کردند به قوم دوگرا؛ یعنی یک اقلیت هندو را حاکم کردند بر اکثریت مسلمان ها. قائله ی کشمیر از این جا شروع شد و تا امروز ادامه دارد. می دانید که تاکنون چهار جنگ بین هند و پاکستان اتفاق افتاده؛ یکی همان سال ۴۸-۴۷ بود، یکی سال ۱۹۶۵ بود، یکی سال ۱۹۶۸ که تا ۷۱-۷۰ طول کشید و بنگلادش جدا شد از هند. قبلاً فقط یک پاکستان بود و بنگلادش به عنوان پاکستان شرقی مطرح بود، اما سال ۷۱-۷۰ بنگلادش جدا شد. آخرین جنگ خاص هم در منطقه ی کارگیل در سال ۱۹۹۹ اتفاق افتاد. این اتفاقات تا امروز نیز ادامه یافته و مسأله ی کشمیر بر روابط دو کشور سایه افکنده است. البته این احساس وجود دارد که داستان تنها کشمیر نیست و گویی کل مسلمان های هند را هدف گرفته باشند با این حرکت های اخیر.

نقش و دخالت صهیونیست ها در این منطقه را چطور می توان تحلیل و تبیین کرد؟

از زمانی که روابط هندی ها با اسرائیلی ها بیشتر شد، این ها توانستند از کمک های نظامی و مشورتی و اطلاعاتی صهیونیست ها استفاده کنند و به تدریج بر کشمیر مسلط شوند. کسی در این تردید ندارد.

الان اوضاع مسلمان ها در این جا به چه صورت است از لحاظ درصد

جمعیت؟ آیا تعداد مسلمانان این بخش مشخص است؟

آمار دقیق در شبه قاره تقریباً وجود ندارد، ولی صحبت از حدود دوازده تا شانزده میلیون نفر جمعیت مسلمان است. ایالت جاموی کشمیر که البته اکثرأ اهل سنت هستند، منتها حنفی مذهبند و بسیار آدم های علاقه مند به اهل بیت (علیهم السلام) و به جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی؛ دقیقاً بر خلاف بعضی تبلیغاتی که می شود. اصلاً بخش بزرگی از این مسائل درش اغراق می شود که به نظر من کاملاً هم با هدف صورت می گیرد. اهل سنت شان هم بسیار اهل سنت هم سو و بسیار آدم های خوبی هستند. آمار دقیق نیست، ولی از این دوازده تا شانزده میلیون نفر، حدود دو سه میلیون نفرشان شاید شیعیان باشند. مجموعاً در این ایالت مسلمان ها اکثریت دارند؛ چه شیعه و چه سنی با آن کیفیتی که عرض کردم.

نقش تاریخی انگلستان در تحولات منطقه ی کشمیر به چه صورتی بوده است؟

بذر این مصیبتی را که الان کشمیر دارد می کشد، انگلیسی ها کاشتند در منطقه؛ همان جور که خیلی جاهای دیگر هم همین کار را کردند. جاهای دیگر هم انگلیس و دیگر کشورهای استعماری یک جای پاهای این چینی را بلاتکلیف و نامشخص باقی گذاشته اند و از همین جاها چنین مصیبت هایی شروع می شود و سر باز می کند. انگلیس ها در اول ورودشان به شبه قاره در قالب یک کمپانی بودند و در واقع هندی ها را فریب دادند که ما می خواهیم یک شرکتی بزنیم و مرکزمان را می گذاریم کلکته و اصلاً کاری هم به جاهای دیگر نداریم. هدف مان هم این است که نیازمندی های شما را تأمین کنیم.

مقدار در موضع ضعف بودند. شورای امنیت در این باره دو قطعنامه صادر کرد در سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۹. در آن قطعنامه‌ها آمده که بر اساس تقسیم باید مناطق مسلمان‌نشین شبه قاره ملحق بشود به پاکستان و مناطق هندونشین ملحق بشود به هند. از پاکستان هم خواسته شد که این اقوام عشایری را که حمایت کرده و وارد کشمیر کرده، این‌ها را بکشد بیرون. به هند هم اجازه دادند که یک نیروی محدودی را برای کنترل آن منطقه داشته باشد، اما با توجه به فضایی که در کشمیر به وجود آمد، در همان قطعنامه آمده که با توجه به این قصه باید رفراندوم برگزار شود و از مردم نظرخواهی کنند و بر اساس میل مردم تصمیم‌گیری شود، چون اصل اصول تقسیم این است که بر اساس میل مردم ملحق بشوند به این‌ور یا به آن‌ور. در قطعنامه‌ی شورای امنیت هم این آمده که تا وقتی این رفراندوم برگزار نشده و این نظرخواهی نشده، منطقه‌ی کشمیر نه متعلق به هند باشد و نه پاکستان. از این‌جاست که کشمیر به صورت یک منطقه‌ی مورد منازعه قرار گرفته و دارای یک نوع خودمختاری متفاوت است با جاهای دیگر. بر همین مبنا یک بندی را در قانون اساسی هند گنجانده که شد همین ماده‌ی ۳۷۰. روح این ماده‌ی قانون ۳۷۰ یک بندی است به نام ۳۵ ای که کشمیر را از ۱۹۴۷ تا امروز سر پا نگهداشته علی‌رغم همه‌ی این درگیری‌ها و نزاع‌هایی که واقعاً چقدر جوان‌های آنجا کشته شدند و چقدر مردم مصیبت دیدند. این که در این مدت و تا الان کشمیر با یک هویت مستقل سرپا مانده، همین قانون و همین ماده‌ی ۳۵ ای هست، زیرا این قانون و این ماده اجازه نمی‌دهد کسانی که غیر کشمیری هستند، در کشمیر زمینی بخرند یا آنجا به طور طولانی‌مدت بمانند و مایملکی داشته باشند. لذا در این مدت و بر اساس این ماده، دولت مرکزی هند نتوانسته بافت جمعیتی کشمیر را دچار تغییر و تحول کند، اما لغو این ماده این مسیر را باز می‌کند تا به راحتی بتوانند با ورود غیر مسلمان‌های غیر کشمیری، بافت جمعیتی آن را به هم بزنند. وقتی بافت جمعیتی آنجا دچار تغییر و تحول شد، دیگر همه کار می‌توانند بکنند. حالا حرکتی که شده، این بوده که اولاً این ماده‌ی قانون اساسی را لغو کرده‌اند. ثانیاً حرکت بعدی هم تکمله‌ی این بوده و کلاً گفته‌اند این منطقه به دو منطقه‌ی فرمانداری تبدیل شود. یعنی کشمیر دیگر نه مجلس خواهد داشت و نه سروریز و نه دیگر حکومتی از خودش، چون الان مستحضرید که حکومت ایالتی دارد و مجلس و شورای قانون‌گذاری دارد که در حکم مجلس راجیاسا است. همچنین پارلمان ایالتی دارد که در حکم مجلس مرکزی لوکسایا است. همه‌ی امور ایالت غیر از موارد دفاعی و سیاست خارجی هم که تاکنون توسط حکومت ایالت انجام می‌شده، الان این را هم گرفته‌اند و دیگر باید در اختیار دولت مرکزی باشد؛ آن هم به دو منطقه تقسیم می‌شود، یکی منطقه‌ی لداخ و یکی منطقه‌ی کشمیر. این هست که الان مردم کشمیر با نگرش‌های مختلف، اعم از طرفداران خود دولت مرکزی هند یا مخالفان‌شان که مبارزه می‌کردند، همه یکپارچه و متحد شده‌اند، چون می‌بینند که هویت‌شان دارد از دست می‌رود.

در مقایسه‌ی بین مسأله‌ی فلسطین و کشمیر، آنجا و در بحث فلسطین باید گفت که یک بحث اعتقادی و سیاسی برای ماست و در بحث کشمیر یک بحث حقوقی وجود دارد. یعنی تفاوت‌هایی وجود دارد، ولی به یک مشترکاتی هم برمی‌خوریم. اگر بخواهید

امروزه رابطه‌ی هند و اسرائیل یک رابطه‌ی راهبردی و استراتژیک است. مخصوصاً از زمانی که آقای مودی نخست‌وزیر فعلی هند سر کار آمد. از موقعی که ایشان سروریز بود، چند بار به ایالت گجرا سفر کرد و بعد که نخست‌وزیر شد، اولین نخست‌وزیری بود که از اسرائیل دیدن کرد و روابط بین این دو کشور را شتاب داد. الان هم قطعاً روابط‌شان راهبردی و استراتژیک است. در همین قضیه‌ی کشمیر بارها و بارها صهیونیست‌ها به هندی‌ها مشورت داده‌اند. البته همیشه هندی‌ها را دچار مشکل کرده‌اند؛ چنان که این اتفاقات اخیر هم باز مشکل‌آفرین شده است. از آن طرف برخی احزاب هندو مثل آر.اس.اس یا دیگران با احزاب صهیونیستی مشترکات فکری دارند و خیلی با هم خودمانی هستند. همچنین روابط ارتباطاتی‌شان برقرار است. لذا چیزی که مشخص است و به عنوان مصداق می‌توان در نظر گرفت، این است که مراودات متعددی بین دو کشور برقرار است. سفر هیأت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و نیز قراردادهایی در همین زمینه‌ها بین دو کشور به امضا رسیده و می‌رسد و کاملاً مشخص است که روابط‌شان راهبردی است. در ارتباط خاص با اتفاقات اخیر و این که چرا هند این ماده‌ی ۳۷۰ را از قانون اساسی اش ملغی کرد و چه اتفاقی افتاده، یک تحلیل این است که باید این حرکت را فراتر از هند دید و چه بسا ربط پیدا می‌کند به همین داستان معامله‌ی قرنی که در ارتباط با فلسطین دنبال می‌کنند. در واقع این‌ها دارند تست می‌کنند و هدفشان کل جهان اسلام است. اول آمدند گفتند قدس پایتخت اسرائیل است و متأسفانه صدایی از دنیای اسلام بلند نشد. شاید انتظار داشتند که حداقل یک حرکتی انجام شود، اما اتفاقی نیفتاد. بعد گفتند بلندی‌های جولان هم ملحق به اسرائیل است. باز دیدند خیلی خبری نشد. این دوستانی که بر این نظردند، می‌گویند که کشمیر گام سوم در این راستاست. متأسفانه باز هم می‌بینیم الان حدود چهار هفته از این حادثه می‌گذرد و خیلی ننگ‌آور است که در این اوضاع نخست‌وزیر هند سفر می‌کند به دو کشور اسلامی امارات و بحرین و آن‌ها متأسفانه بالاترین نشان افتخارشان را می‌اندازند گردن او! لذا عده‌ای می‌گویند این تست بعدی است و چه بسا که دامن کل مسلمان‌های شبه قاره را بگیرد. درست است که متأسفانه مسلمان‌های دنیا نسبت به قصه‌ی کشمیر تا الان خیلی حساس نبودند و خیلی دخیل نشدند و ناراحتی‌شان را ابراز نکردند، اما خود مسلمان‌های هند هم درگیری‌ها و مسائلی دارند و نمونه‌اش داستان مسجد بابر یا معبد رام است. همین دور قبل دولت آقای مودی وارد احوال شخصی مسلمان‌ها شدند و گفتند معنا ندارد که دادگاه‌ها بر اساس اسلام باشد و این‌جا کشور هندوستان است و همه‌ی دادگاه‌ها باید تابع یک قانون باشد. داستان سه طلاق را که اصلاً ارتباطی نداشت به دستگاه حکومت، وارد شدند و حالا رفته در مجلس‌شان و گیر کرده. قصه‌ی معبد رام هم یکی از مسائل اساسی و مهم هند است و حتماً اگر از قصه‌ی کشمیر به سلامت عبور کنند، آن داستان را هم اجرا خواهند کرد و این دوستان بر این نظردند.

این ماده‌ی ۳۷۰ چیست که این همه مطرح است و چرا هندی‌ها یک اصل از قانون اساسی خودشان را دارند لغو می‌کنند؟

سال ۱۹۴۷ که درگیری‌ها در هند شدت گرفت و همان هجوم عشایر که عرض کردم، این قضیه به سازمان ملل و شورای امنیت هم کشیده شد. هندی‌ها شکایت کردند به شورای امنیت، چون آن موقع یک

در یک فضای آرام باید از این روابطی که با این کشورها داریم، استفاده کنیم. البته هند همیشه موضع گرفته در قبال میانجی‌گری و به هیچ کشوری این اجازه را نداده و معتقد است که این موضوع نباید بین‌المللی شود، اما ما می‌توانیم از روابطمان استفاده کنیم. در همین قضایایی که اخیراً اتفاق افتاد، هیچ اشکالی نداشت که یک هیأت از وزارت خارجه‌ی ما دوستانه می‌رفتند تا حداقل مردم کشمیر بدانند که جمهوری اسلامی به عنوان ام‌القرای جهان اسلام چشمش را بسته روی این اتفاقات. من می‌دانم همه‌ی عزیزان در ایران ناراحتند از این اتفاق و کسی نمی‌تواند ناراحت نشود.

به عنوان سؤال پایانی آیا به نظرتان مسأله‌ی کشمیر با پایان دولت فعلی هند و تغییر و تحولاتی که انجام می‌شود، تمام خواهد شد یا این که یک مسأله‌ی تاریخی است و اگر ریشه‌ای برایش فکری نشود، کماکان مسئله ادامه خواهد داشت؟

مسأله‌ی کشمیر وابسته به دولت‌ها در هند نیست. البته دولت فعلی که دور قبل هم دولت بود و از حزب بی‌جی‌پی است، این‌ها به دلیل نگاه خاص‌شان و به دلیل مراودات و روابطی که با صهیونیست‌ها و اسرائیل و دیگران دارند، این قصه را شتاب داده‌اند، اما فردا اگر دولت حزب بی‌جی‌پی تمام شد و حزب کنگره آمد روی کار، خیلی تفاوتی اتفاق نخواهد افتاد، چون این‌ها در مقوله‌ی کشمیر متفق‌ال نظر هستند. این ماده‌ی قانونی که لغو شد، مسیر را برای بقیه هم باز کرد و فرقی ندارد. من یک مثال بزنم؛ مسجد بابری در هند زمان کدام دولت تخریب شد ظرف سه ساعت؟ زمان دولت حزب کنگره. نخست‌وزیر کی بود؟ آقای ناراسیمها رائو. هندوهای افراطی ظرف سه ساعت مسجد بابری را تخریب کردند و البته دولت مرکزی می‌توانست جلوی این قصه را بگیرد که نگرفت. ببینید چطور الان علی‌رغم حضور هفتصد هزار نیروی هندی در کشمیر این اتفاق تلخ می‌افتد؟ دوباره هم چهل پنجاه هزار نیرو می‌روند در منطقه. بعد دولت مرکزی نمی‌توانست نیروی کمکی بفرستد در لکنو و جلوی این‌ها را بگیرد که مسجد خراب نشود؟ می‌توانست، اما خواست خودشان هم بود که مسجد بابری خراب شود. لذا این که بگوییم اگر دور دوم دولت آقای مودی گذشت و دولت حزب بی‌جی‌پی یا آقای مودی رفت و دیگری آمد، نه، قصه‌ی کشمیر تمام نخواهد شد. الان احزاب در رقابت‌های انتخاباتی‌شان گاهی انتقادها و اعتراض‌هایی می‌کنند، ولی در کلیت قضیه خیلی به نظرم تغییری حاصل نخواهد شد، مگر این که مجامع بین‌المللی از دولت هند بخواهند که برگردد به قانون اساسی خودش. دولت هند باید این ماده را برگرداند سر جای خودش و همان خودمختاری که این منطقه داشت، مردم دوباره داشته باشند و بتوانند انتخاب کنند. در غیر این صورت شما شک نکنید که ظرف مدتی نه‌چندان طولانی بافت جمعیت منطقه را تغییر خواهند داد و مسلمان‌ها را از اکثریت خواهند انداخت. بقیه‌ی مسلمان‌ها هم باید توجه کنند که کشمیر یک بخشی از جهان اسلام است و این را کسی نمی‌تواند منکر شود. بی‌تفاوتی این‌جا حاصلی ندارد و اگر با بی‌تفاوتی با این مشکل برخورد کنند، این مصیبت به نقاط دیگر هم سرایت خواهد کرد. چنان که امروز ما می‌بینیم در دنیای اسلام چه اتفاقاتی می‌افتد. البته باز هم تأکید می‌کنم که راه حل نظامی و خشونت به هیچ وجه جواب نخواهد داد و مسأله را بدتر خواهد کرد.

یک پیشنهادی داشته باشید برای امت و جهان اسلام، آیا می‌توانیم بگوییم مراقب باشید بلایی که سر فلسطین آوردند و قضیه‌ای که برای فلسطینی‌ها پیش آوردند، این بار سر مسلمانان کشمیر نیاورند؟ همچنین به نظر شما ساز و کار و راه حل این قضیه چه می‌تواند باشد؟

الان برای خیلی از دوستان کشمیری ما مدت‌هاست این سؤال مطرح است و بارها از خود ما هم پرسیده‌اند که آقا شما چرا به فلسطین این قدر توجه می‌کنید و به ما توجه نمی‌کنید؟ خوب است هم مردم ما و هم دوستان و برادران کشمیری ما این را بدانند که این دو مسأله یک اختلاف و یک تفاوت ماهوی با هم دارد، اما البته یک مشابهت‌ها و مشترکاتی هم دارد. اختلاف ماهوی‌اش این است که آنجا سرزمین اشغالی است و ما اصلاً اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسیم. صهیونیست‌ها آمده‌اند و سرزمین مسلمین را گرفته‌اند و مردم فلسطین دنبال این هستند که سرزمین خودشان را آزاد کنند. این‌جا اما چنین اتفاقی نیفتاده. آیا مردم عزیز کشمیر الان مانند فلسطینی‌ها سختی می‌کشند؟ بله، شاید بعضی اوقات حتی بیشتر. آیا نیاز است که رسیدگی شود؟ بله و راه‌حل نظامی هم تاکنون جواب نداده و از این به بعد هم نه در کشمیر و نه اصولاً در هیچ بحرانی جواب نخواهد داد. ما هم نباید دچار افراط و تفریط شویم. ما یک کشور مستقل و مقتدر هستیم و باید از منظر خودمان، که ام‌القرای دنیای اسلام هستیم، باید به این مسائل رسیدگی بکنیم. حالا کشمیر که الی‌ماشاءالله مشترکات و ارتباطات با ایران دارد صرف نظر از بحث مسلمانی و دیگر اشتراکات. اصلاً مشترکات ما با این منطقه همین اندازه بس که به ایران صغیر معروف است. این‌ها را بیخود نگفته‌اند؛ مخصوصاً مشترکات و پیوندهای فرهنگی که بین دو ملت هست. بنابراین به نظرم باید از فضا و ابزارهایی که در اختیار داریم، استفاده کنیم برای کمک به مردم عزیز کشمیر و اصلاً حرف جنگ را مطرح نکنیم، زیرا به ضرر آن مردم است. الان رابطه‌ی ما با هند خوب است و با پاکستان هم همچنین و ما باید از این روابط و ابزارها درست استفاده کنیم. البته قطعاً این رابطه‌ی خوب به این معنی نیست که اگر در یک جایی فشار به مردم آوردند، ما چشمان‌مان را ببندیم و نادیده بگیریم. این درست نیست. نه مثل قبل که ما گاهی می‌رفتیم پاکستان و از قرارداد سازمان ملل یا متقابلاً از قرارداد شیملا حمایت می‌کردیم. می‌دانید در جنگ ۱۹۷۰ که موضع هند یک مقدار قوی‌تر شد و به جدایی بنگلادش انجامید، نهایتاً آقای ذوالفقار علی بوتو (نخست‌وزیر وقت پاکستان) قراردادی را در شهر شیملا با هند امضا کرد که خط آتش‌بس آن روز به همین لاین‌آف‌کنترل امروز تبدیل شد. بنابراین قرارداد شیملا در واقع موضع هند را بیشتر و قوی‌تر می‌کند. ما اصلاً نیازی نداریم به آن استناد کنیم. مسأله‌ی کشمیر یک مسأله‌ی حقیقی و حقوقی است. حقیقی از این جهت که بر اساس همان مبنای تقسیمی که خودشان می‌گویند، باید از مردم نظرخواهی شود که چه می‌خواهند. اصلاً شاید گفتند نه هند و نه پاکستان. پس این از همین‌جا حقوقی هم می‌شود و این حق مردم کشمیر است. قبل از این که مسأله‌ی کشمیر سیاسی و مذهبی شود، یک مسأله‌ی حقیقی و حقوقی است. اولاً موضع ما به نظرم باید این باشد که حق مردم کشمیر احقاق و اعاده شود. حالا یک چیزی هم معروف است به نام حق تعیین سرنوشت. مبنایش هم همان مبنای تقسیم است.

«چالش های هند در قبال بحران کشمیر»

فائزه نصرت | دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

کشمیر منطقه ای بکر و غنی در شمال غربی شبه قاره هند است. کشمیر را میتوان به سه بخش تقسیم کرد؛ کشمیر آزاد که در پاکستان قرار گرفته است. ایالت کشمیر و جامو در قلمرو هند است و منطقه ای موسوم به خط آتش بس که بین دو کشور مشترک است، اما به عنوان مرز مشترک پذیرفته نشده است.

پس از جدایی پاکستان از هند، طبق مذاکرات صورت گرفته، می بایست تمام مناطق مسلمان نشین از جمله کشمیر به پاکستان ملحق میشد؛ اما با تصمیم مهارجه این سرزمین به هند پیوست و زمینه دو جنگ بین هند و پاکستان را فراهم آورد. سازمان ملل پیشنهاد برگزاری referendum را به دو کشور داد، اما این پیشنهاد توسط هند نادیده گرفته شد. منازعات بر سر کشمیر، بین دو کشور از دیرباز وجود داشت؛ تا اینکه در سال ۱۹۴۸، قراردادی به منظور پایان دادن به مخاصمه بین دو کشور به امضای شورای امنیت ملی هم آن را تأیید نمود. دو قرارداد دیگر موسوم به «شمیلا» و «ایندوس» در سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۴۸ در جهت مشخص کردن حدود خط آتش بس و تقسیم مساوی آب شش رودخانه ای که از کشمیر سرچشمه میگردند، منعقد شده است. ۱۵ مرداد، نخست وزیر مودی در لایحه ای که به مجلس ارائه داد، با به کارگیری لفظ «منطقه اراضی» به جای «ایالت فئودال» اصل ۳۷۰ قانون اساسی هند، مبنی بر خودمختاری ایالت کشمیر و جامو را زیر سوال برد و بزعم خود به جدال ۷۰ ساله هند و پاکستان پایان داد. طبق این اصل تمام امور کشمیر و جامو به استثنای مسائل دفاعی، خارجی و ارتباطات منطقه ای، توسط حکمران انتخاب شده اداره می شود.

مهمترین محرک های این عمل مودی در ۴ قسمت قابل بررسی است:

اولین علت، مشاهده نظم قدرت محور حاکم بر جهان بود که باعث شد مودی قدم در جای پای ترامپ بگذارد و به جای عمل به وعده های حزب بی. جی. پی (حزب فرانسویونالیست هندوگرا) که رعایت اصول کشمیریت، عدالت و انسانیت است، به زور و قدرت متمسک شود.

علت دوم، نگرانی جدی هند از معامله پاکستان و آمریکا بر سر کشمیر در ازای قسمتی از افغانستان بود.

فشار اعضای حزب بی. جی. پی به مودی برای عمل به وعده هایش مبنی بر لغو خودمختاری هند، سومین محرک این عمل است.

آخرین دلیل، الغای اصل ۳۵ قانون اساسی است که مطابق آن هیچ غیر کشمیری حق اقامت طولانی مدت در کشمیر و خرید و فروش ملک را ندارد.

سیاست اتخاذ شده توسط دولت هند مبتنی بر مشت آهنین شامل اعزام ۳۷ هزار نیروی نظامی و تقویت ارتش هفتصد تا یک میلیون نفری (آپار کشمیر یک میلیون)، محاصره کامل کشمیر، برقراری حکومت نظامی، قطع ارتباطات، بازداشت یا حصر خانگی رهبران سیاسی، مذهبی (حتی سیاسیون طرفدار هند)، دستگیری بیش از ۵ هزار فعال کشمیری و... می باشد. مودی با انجام اینکار با چالش هایی رو به روست که به صورت اجمالی به بررسی برخی از آنها می پردازیم:





شکایت به دیوان عالی هند سومین چالش پیش روی مودی است زمان رسیدگی به این شکایت اکتبر است؛ البته تصور نمی شود که تصمیمی خلاف نظر مودی، اتخاذ شود. پس از این اقدام سفیر هند از پاکستان اخراج شد و احزاب دیگر من جمله طیف چپ و پاکستان، با این اقدام مودی مخالفت کردند.

در ادامه، طرفداران دولت هند در کشمیر به جرم خیانت زندانی شدند و احتمال پیوستن چپ‌ها به القاعده و داعش تقویت شد. مسئله مهم دیگر این است که هند این مسئله را داخلی می داند، اما چون پاکستان توان مقابله با چهارمین قدرت اقتصادی دنیا را ندارد، مسئله را فراملی کرده و به شورای امنیت ملی بخاطر نقض قراردادها توسط هند شکایت کرده است. موضوع دیگر کشورها نسبت به این موضوع حائز اهمیت است.

تا کنون هیچ یک از کشورها با صورت علنی از هیچ کدام حمایت نکردند. اما به صورت نسبتاً صریح چین و ترکیه در طرفداری از پاکستان برآمدند و امارات، ترکیه و آمریکا جانب هند را نگه داشته اند.

مسئله کشمیر فارغ از مسلمان بودن کشمیری‌ها، به جهت علاقه مردم کشمیر به انقلاب اسلامی برای جمهوری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و ملاحظات مهمی در موضع گیری دولت ایران نسبت به این مسئله وجود دارد از جمله روابط مثبت ایران و هند و استراتژی یک بودن هند برای ایران. هند یکی از شرکای مهم ایران در دوران تحریم و یکی از خریداران نفت ایران است. همچنین با توجه به اینکه هند یک قدرت نوظهور اقتصادی است میتواند یک بازیگر کلان برای به چالش کشیدن یک جانبه گرایی آمریکا باشد. این در حالی است که ارتباطات جمهوری اسلامی ایران با پاکستان فراز و فرودهایی داشته اما همراه با همکاری و احترام بوده است.

رهبر انقلاب در دیدار اخیر با رئیس جمهور و هیئت دولت با اشاره به اینکه مسئله کشمیر و اختلافات هند و پاکستان نتیجه اقدامات انگلیس هنگام خروج از شبه قاره است فرمودند که با وجود ارتباطات خوبی که با دولت هند داریم از آنها توقع داریم تا سیاست منصفانه‌ای را در قبال مردم کشمیر و مسلمانان این منطقه در پیش بگیرد.

عاقبت شیعیان در کشمیر و کاری که میتوانند انجام دهند هم قابل بررسی است. نسبت شیعیان به مسلمانان هند یک به ده است و عملاً آزار و اذیت شیعیان توسط دولت هند منتفی است.

در شرایط ایجاد شده، شیعیان کشمیر سه راه بیشتر ندارند؛ اول اینکه به اهل سنت ملحق شوند و حکومت مستقل اسلامی را تشکیل دهند.

کنار آمدن با دولت و بدست آوردن مناصب اصلی حکومتی و رسیدن به قدرت راهکار دیگری است که میتوانند پیش بگیرند و آخرین چاره‌ی آنها پیوستن به پاکستان است؛ که با توجه به رفتار نامناسب دولت پاکستان با شیعیان، مشخص نیست چه عاقبتی در انتظار آنها خواهد بود.

مواضع مراجع پیرامون

«تحلیلی بر مواضع ایران در قبال بحران کشمیر»

کشمیر

مردم بی‌گناه و مظلوم کشمیر، کدام جرم و گناهی را مرتکب شده‌اند که امروز با شدیدترین ظلم و ستم مأموران نظامی هند مواجه هستند، خانه و کاشانه خود را از دست داده و تعداد زیادی از آن‌ها شهید و مجروح و تعدادی هم در زندان‌ها با شکنجه‌های قرون وسطایی روبرو هستند. چرا جامعه بشری، مدعیان حقوق انسان‌ها و سازمان ملل و نیز سازمان کنفرانس اسلامی سکوت نموده و این جنایت‌ها را علیه انسان‌های بی‌دفاع و مظلوم محکوم نمی‌کنند؟ متأسفانه دولت‌های اسلامی به دولت مرکزی هند حتی یک تذکر هم نمی‌دهند. اگر همه دولت‌های اسلامی با هم متحد بودند و در مقابل این جنایت بزرگ اقدام واحد می‌کردند حتماً دولت هند دست از این حرکات وحشیانه خود برمی‌داشت؛ ماضی محکوم کردن این حوادث ضد بشری در هند و در جاهای دیگر از دولت مرکزی هند می‌خواهیم هرچه زودتر حقوق مردم بی‌گناه کشمیر را رعایت نموده و به جنایت‌های خود خاتمه دهد. ادامه این حرکت ضد انسانی برای کشور هندوستان که خود را مدافع حقوق ادیان و اقوام گوناگون می‌داند موجب ننگ، ذلت و خوارگی می‌باشد.

آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی

کشمیر منطقه بسیار سرسبزی است که جاذبه‌های گردشگری فراوان دارد و به همین دلیل مورد علاقه هند و پاکستان است. سال‌ها کشمیر به دو ایالت تقسیم شده. ایالتی که در اختیار پاکستان و ایالتی در اختیار هندوستان است و فراموش نکنیم که اکثریت مردم کشمیر مسلمان‌اند. گویا اخیراً هند به این فکر افتاده است که بر تمام کشمیر غلبه کند و این منطقه حساس و پر جاذبه را در اختیار بگیرد. ای کاش از طریق دیپلماتیک وارد می‌شد ولی زورگویی را ترجیح داده و با لشکر عظیمی که به آنجا اعزام داشته، عده زیادی را به خاک و خون کشیده یا بازداشت کرده است. حل مسأله کشمیر از طریق دیپلماتیک ممکن است. اینجاست که مسلمین جهان باید این منطقه از جهان که اکثریتش مسلمان هستند را فراموش نکنند و برادران اسلامی خود را از زیر فشار هندوستان نجات دهند. چراکه بی‌تفاوتی در این راه در پیشگاه خدا مسؤولیت فراوان دارد. البته و صد البته امید می‌باشد که مراکز جهانی نیست، آن‌ها از اینکه مسلمانان و هندوها به دست یکدیگر کشته شوند سود می‌برند. مسلمین باید احساس مسؤولیت کنند والا در پیشگاه خدا پاسخی ندارند.

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

موضع ایران در قبال هند و پاکستان پیش از انقلاب متأثر از شرایط جهانی و حضور ایران و پاکستان در بلوک غرب، قابل تفسیر است اما پس از انقلاب، رویکرد ایران به پاکستان و هند، مبنای ایدئولوژیک پیدا کرد که امروز از غلظت ایدئولوژیک آن کاسته و به وزن ژئواستراتژیک آن افزوده شده است. برای جمهوری اسلامی ایران، پاکستان یک کشور مسلمان با ملتی عمدتاً همدل با ایران است و هند یک کشور مهم در جنبش عدم تعهد و یک ظرفیت بالقوه برای ایجاد نظم چندقطبی و خدشه دار کردن یکجانبه‌گرایی آمریکاست. از این رو در تنش‌های بین دو کشور، در میانه می‌ایستد. وضعیت مسلمانان به ویژه مردم کشمیر، از مسائل مهم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. این گزاره یک آرمان مبتنی بر قانون اساسی ایران تلقی می‌شود که دولت‌های مختلف کم و زیاد به آن توجه داشته‌اند. مسئله کشمیر از جوانب مختلف برای ایران پر اهمیت است. ارتباط و علاقه مردم کشمیر با مردم ایران یکی از مواردی است که همواره این بخش از شبه‌قاره را برای ایران پر اهمیت کرده است. گاهی نام ایران کوچک به کشمیر می‌دهند که بیانگر این علقه عاطفی است که ریشه در تاریخ دارد که به سفر و اقامت «میرسیدعلی همدانی» و همراهانش در کشمیر مربوط می‌شود. از این رو کشمیر فارغ از اختلافات هند و پاکستان، برای ایران اهمیت فراوانی دارد. بسیاری از مواضع گیری‌ها در ایران، خارج از کانال‌های رسمی و دولتی صورت می‌گیرد و بارها جریان‌های دانشجویی نسبت به مسائل کشمیر واکنش نشان داده‌اند. روشنگری‌های برخی کشمیری‌ها داخل ایران نیز به فعالیت‌های اجتماعی به نفع مردم کشمیر بی‌تأثیر نبوده است. آنچه که مشخص است، دولت جمهوری اسلامی ایران برای موضع‌گیری در خصوص کشمیر باید چهار مورد را مدنظر قرار دهد:

مردم کشمیر: همانطور که گفته شد مردم کشمیر نسبت به ایران و انقلاب اسلامی نگاه مثبت و تاریخی دارند. بسیاری از کشمیری‌ها برای تحصیل به ایران سفر می‌کنند و از سوی دیگر زبان فارسی هم در این بخش از جهان نفوذ دارد.

مردم و فعالان اجتماعی ایران: بخشی از مردم به ویژه فعالان اجتماعی و دانشجویان نسبت به آنچه در کشمیر می‌گذرد، حساس هستند. همانطور که در پی لغو خودمختاری کشمیر و فشار دولت هند بر مردم این منطقه، دانشجویان ایرانی در مقابل سفارت هند در تهران و دفتر سازمان ملل در مشهد تجمع کردند.

دولت هند: روابط ایران و هند همواره روابط مثبت و دوستانه‌ای بوده است. فارغ از پیوند تاریخی و فرهنگی، هند یک کشور استراتژیک برای ایران محسوب می‌شود. هند یک قدرت نوظهور اقتصادی و بازیگر کلان در به چالش کشیدن یکجانبه‌گرایی آمریکاست. هندی‌کی از بزرگترین مشتریان نفت ایران است و در دوره تحریم، یک شریک مهم تلقی می‌شود. از سوی دیگر ایران و هند به دنبال ایجاد یک ریدر اقتصاد هستند تا هند را بدون نیاز به پاکستان، به افغانستان و آسیای مرکزی متصل کند. این مهم با تکمیل بندر چابهار و اتصال ریلی آن به افغانستان و آسیای مرکزی محقق می‌شود و استثناء شدن بندر چابهار از تحریم‌های آمریکا علیه ایران را نیز باید در این توجه جدی هند به ایران دانست.

دولت پاکستان: روابط ایران و پاکستان نیز اگرچه فراز و فرود داشته، اما از جاده احترام و همکاری خارج نشده است. پاکستان از ورود و موضع‌گیری ایران در ماجرای کشمیر استقبال می‌کند. ایران نیز می‌داند، کشمیر و روابط دیگر کشورها با هند، از مسائل مهم در سیاست خارجی پاکستان است.

فارغ از فعالیت‌های دانشجویی و مواضع ایرانی‌ها در فضای مجازی، وزارت امور خارجه در ابتدا موضعی نسبتاً محافظه‌کارانه گرفت. سیدعباس موسوی سخنگوی وزارت خارجه در واکنش به تحولات اخیر جامو و کشمیر گفت: «جمهوری اسلامی ایران تصمیمات اخیر دولت هند در زمینه تحولات جامو و کشمیر را از نزدیک پیگیری و توضیحات ارائه شده از سوی مقامات هند و پاکستان را درباره تحولات اخیر با دقت دنبال می‌کند.» و در ادامه هم این نکته را اضافه کرد که ایران از هند و پاکستان به عنوان دوستان و شرکای منطقه‌ای خود انتظار دارد با اتخاذ روش‌های مسالمت‌آمیز و گفت‌وگو، در راستای حفظ منافع مردم منطقه گام‌های مؤثر بردارند. اما چند روز بعد در موضعی شفاف، از شرایط سخت امنیتی کشمیر که برای شهروندان عادی پیش آمده و نیز محدودیت مسلمانان منطقه برای اعمال دینی خود، اظهار نگرانی کرد و از مقامات هند خواست ترتیباتی اتخاذ نمایند تا هرچه زودتر زندگی مردم به حالت عادی درآمده و بتوانند از همه حقوق طبیعی و شناخته شده خود بهره‌مند شوند. اما رهبر انقلاب در دیدار با هیئت دولت، موضعی شفاف‌تر اتخاذ کردند. ایشان در این دیدار در واکنش به وضعیت مسلمانان کشمیر گفتند: «ما با دولت هند روابط خوبی داریم اما انتظار و توقع از دولت هند این است که سیاستی منصفانه در قبال مردم نجیب کشمیر در پیش بگیرد و به مردم مسلمان این منطقه زور گفته نشود.» رهبر انقلاب اسلامی وضعیت کنونی منطقه کشمیر و اختلافات هند و پاکستان در این زمینه را نتیجه اقدامات انگلیس خبیث به هنگام خروج از شبه‌قاره هند دانستند و گفتند: «انگلیسی‌ها برای استمرار درگیری در کشمیر تعمداً این زخم را در این منطقه بر جای گذاشتند. ورود رهبر انقلاب به این موضوع اهمیت کشمیر را نشان داده و برای دولت هند یک هزینه محسوب می‌شود.»

فلسطین رکھنا کشمیر Stop Killings In Kashmir



«کشمیر، زخمی التیام نیافتہ»

من از وضع کشمیر ناراحتم، واقعاً به مردم مسلمان کشمیر دارد زور گفته میشود، حقیقتاً دارد فشار وارد آورده میشود، یک سیاست منصفانه‌ای بایستی برای این مردم نجیب که در آنجا هستند، در پیش گرفته بشود از سوی دولت هند. ما البته با دولت هند روابطمان روابط خوبی است ولی این انتظار و توقع را نسبت به آنها داریم. این را هم به شما عرض بکنم، این کار انگلیس خبیث است؛ این زخمی است که در شبہ قازہ از سال ۱۹۴۷ انگلیس‌ها این زخم را ایجاد کردند؛ از همان اول که داشتند خارج میشدند و شبہ قازہ به دو قسمت تقسیم شد- یعنی هند و پاکستان- از همان وقت این زخم کشمیر را آنها اینجا کاشتند و گذاشتند و تعمّد در این قضیہ داشتند که این زخم خوب نشود و همیشه بین این دو کشور، مشکل و اختلاف و دعوا وجود داشته باشد؛ خوب این فشارهایی که روی مردم می‌آید هم عوارضش است دیگر. | بیانات رهبر انقلاب در دیدار با اعضای هیات دولت ۳۰ مرداد ۹۸

